

رابطه حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبک های هویت دانشجویان

Relationship Between Social Support and Self-Esteem with Student's Identity styles

Ali Asghar Hossein zadeh

Mojgan.Sepahmansour

علی اصغر حسین زاده^۱

مژگان سپاه منصور^۲

Abstract

Introduction: The aim of the present study was to investigate relationship between social support, students' self-esteem, and identity styles.

Method: 224 university students (119 girls & 105 boys) in Mahmood Abad city were selected through multi stage sampling. These participants completed Social Support Questionnaire (voux, 1986), Self-Esteem Scale (Rosenberg, 1965) and Identity Styles Inventory (ISI) (Brzonsky, 1997). Data was analyzed by applying regression and correlation coefficient.

Results: Results indicate that there is a significant positive correlation between self-esteem with normative and informational identity styles. However, the results show a significant negative correlation between self-esteem and confused/avoidance identity style. There was also a significant positive correlation between social support and informational and normative identity styles, while correlation between confused /avoidance style with social support was not significant.

Conclusion: findings of the study is useful in predicting positive relation between self-esteem and social support with informational and normative identity styles and negative relation between self-esteem and social support with confused /avoidance styles.

Keyword: identity styles, social support, self-esteem, students

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطه بین حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبک های هویتی انجام شده است.

روش: با استفاده از روش نمونه برداری چند مرحله ای ۲۲۴ دانشجوی (۱۱۹ دختر و ۱۰۵ پسر) پرسشنامه حمایت اجتماعی وکس (۱۹۸۶)، مقیاس عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) و پرسشنامه سبک های هویت (ISI) (برزونسکی (۱۹۹۷) را تکمیل کردند. تحلیل یافته ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که عزت نفس با سبک های هویت هنجاری و اطلاعاتی رابطه مثبت و معنی دار و با سبک سردرگم/اجتنابی رابطه منفی معنی دار داشت. بین حمایت اجتماعی با سبک های هویت هنجاری و اطلاعاتی رابطه مثبت معنی دار مشاهده شد، ولی بین سبک سردرگم/اجتنابی با حمایت اجتماعی رابطه معنی دار مشاهده نشد. تحلیل رگرسیون نشان داد سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری می توانند به صورت مثبت واریانس عزت نفس و حمایت اجتماعی را تبیین کنند. سبک سردرگم/اجتنابی پیش بینی کننده مناسب به صورت منفی برای عزت نفس بود، ولی پیش بینی کننده حمایت اجتماعی نبوده است. نتیجه گیری: ارزیابی سه حوزه سبک های هویت در بر دارنده اطلاعات مهمی در خصوص برخورداری از حمایت اجتماعی و سطح عزت نفس دانشجویان است.

کلیدواژه ها: سبک های هویت، حمایت اجتماعی، عزت نفس،

دانشجویان

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی

Hossein zadeh20@gmail.com

^۲ استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۱۳۸۹، تاریخ پذیرش مقاله: خرداد ۱۳۹۰

مقدمه

طی سالها، فرآیند مربوط به جستجوی هویت^۱ افراد به عنوان جزء لاینفک شکل‌گیری شخصیت مورد توجه بوده است (لوی کاکس، سوئنز، برزونسکی، اسمیت، گوسنس و ون استین کیست^۲، ۲۰۰۷). تعدادی از جوانان زمانی که وارد دانشگاه می‌شوند ممکن است با مشکل انتقال مواجه شوند. آنها نه تنها محیط‌های خود را ترک می‌کنند، بلکه با نوعی از تغییرات اساسی مانند شبکه اجتماعی، تقاضا و انتظارات زیاد تحصیلی سروکار دارند (آدامز^۳، ۲۰۰۰). از نظر اریکسون^۴ (۱۹۶۸) محیط رسمی دانشگاه فرصتی است که فرد می‌تواند فعالانه تمایلات خود را به نمایش بگذارد و در جهت استوار ساختن هویت شخصی خود تلاش کند (برزونسکی و کاک^۵، ۲۰۰۵). علاوه بر آن، محیط آموزشی عقلانی که در آن آگاهی تحلیلی و انتقادی از جریان‌های اجتماعی ایجاد می‌شود، تحول هویت را تسهیل می‌نماید (آدامز، ۲۰۰۰).

ایجاد حس ثبات و انسجام از هویت خود از تکالیف اصلی فرد در دوران نوجوانی است (هیون^۶، ۱۹۹۵). اریکسون هویت را به عنوان ادراکی از خود تعریف می‌کند که این ادراک حاصل فعالیت است که به عنوان واسطه‌ای میان تجارب گذشته، حال و آینده عمل می‌کند (مقائلو، وفایی و شهر آرای، ۱۳۸۷). از نظر مارسیا^۷ هویت عبارتست از سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها و آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی که در واقع نتیجه یک بحران است و ازدید متخصصان درک این دوران طوفانی و بحرانی وابسته به روابط حاکم در خانواده می‌باشد و خانواده تأثیر واضح و مؤثری بر رشد نوجوان دارد (خواجه‌پور و عطار، ۱۳۸۶). نوجوانان در مواجهه با تکالیف شکل‌گیری هویت، ذهن خود را بر روی موضوعات مهمی از قبیل انتخاب حرفه، اعتقادات مذهبی و سیاسی در زندگی متمرکز می‌کنند و البته مواجهه نوجوانان با چنین موضوعات و مسائلی متفاوت است. آنان به شیوه‌های گوناگون به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و بر اساس آنها به تصمیم‌گیری می‌پردازند (کاپلان^۸، ۲۰۰۰).

برزونسکی (۱۹۹۰) یکی از نظریه پردازان رویکرد فرایند تحول با بررسی زیر بناهای شناختی اجتماعی و وضعیت‌های هویتی، سه سبک هویتی شامل: ۱- سبک اطلاعاتی^۹ ۲- سبک هنجاری^{۱۰}

^۱-Identity

^۲- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsk, M. D., Smits, I., Goossens, L., & Vansteenkiste, M.

^۳- Adams, G.

^۴-Erikson, E.

^۵- Kuk, L.S.

^۶- Heaven, P. C. L.

^۷- Marcia

^۸- Kaplan, P. S.

^۹- Information Style

^{۱۰}-Normative Style

۳- سبک سردرگم / اجتنابی^۱، را فرض نمود. این سبک‌ها در واقع شیوه‌های شناختی اجتماعی برای پردازش اطلاعات مرتبط با خود را جستجو، ارزیابی و مورد استفاده قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۹، ۲۰۰۴). افراد با سبک هویت اطلاعاتی در مورد ساختار خود تردید دارند و اطلاعات مرتبط با خود را فعالانه جستجو می‌کنند، ساخت‌های خود را آزمون می‌نمایند و در هنگام مواجه شدن با بازخوردهای ناهماهنگ، به تغییر جنبه‌هایی از هویت خود علاقمند می‌باشند (برزونسکی، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). سبک هویت اطلاعاتی بیشتر توسط افرادی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طبق الگوی مارسیا دارای وضعیت هویت موفق یا دیررس می‌باشند. (نورمی، برزونسکی، تامی و کینی^۲، ۱۹۹۹؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). در مقابل، افراد با سبک هویت هنجاری همواره سعی دارند که با تجربه و انتظارهای افراد مهم زندگیشان هم‌نواپی کنند. آنها از طریق ساختارهای قبلی مربوط به خود، پاسخهای قالبی و تحریفهای شناختی، به دفاع در مقابل تهدیدهای بالقوه بیرونی می‌پردازند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). این افراد در مقابل ناهماهنگی دارای تحمل پایین بوده و به ساخت شناختی بسته متکی هستند و بر اساس الگوی مارسیا این افراد بیشتر دارای وضعیت هویتی زودرس هستند (برزونسکی، ۱۹۹۶).

عوامل موقعیتی یا لذت آنی اساساً تعیین کننده رفتار افراد با سبک سردرگم / اجتنابی است، و آنها بر اساس تقاضای محیطی واکنش نشان می‌دهند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵). سازگاری این افراد با موقعیت نامتعادل و احتمالاً بیشتر یک فعالیت کوتاه مدت بوده که نمی‌توان آن را به عنوان یک اصلاح ساختاری پایدار تلقی نمود؛ این افراد از مواجهه یا پرداختن به موقعیت‌های تعارضی و تصمیم‌گیری اکراه دارند (برزونسکی، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵).

حمایت اجتماعی^۳ به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی که سایر افراد یا گروه به فرد ارزانی می‌دارند گفته می‌شود. علاوه بر این، حمایت اجتماعی تنها تعدد رابطه‌ها نیست، بلکه کیفیت آن مطرح است، چرا که از منابع گوناگونی نظیر خانواده، اقوام، دوستان یا سازمانهای اجتماعی به دست می‌آید (سارا فینو^۴، ۲۰۰۲). تحقیقات بسیاری حاکی از آن است که برخورداری از حمایت اجتماعی مطلوب فرد را به بهزیستی جسمانی و روان شناختی هدایت می‌کند (قائدی و یعقوبی، ۱۳۸۷). کسانی که از حمایت اجتماعی برخوردارند، احساس می‌کنند کسی دوستشان دارد، به آنها اهمیت داده می‌شود، دیگران آنان را افرادی محترم می‌شمارند و خود را بخشی از شبکه اجتماعی خانواده، دوستان یا سازمانهای اجتماعی می‌دانند که می‌تواند منبع کمک‌های مادی و معنوی و خدمات دو جانبه هنگام نیاز باشد (سارافینو، ۲۰۰۲). نظریه پردازان حمایت اجتماعی معتقدند که تمام روابطی که فرد با دیگران

¹-Diffuse-Avoidant Style

²-Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A.

³-Social support

⁴-Sarafino, E. P.

دارد حمایت اجتماعی نیستند، مگر آنکه فرد آنها را به عنوان در دسترس و مناسب رفع نیاز خود تلقی کند (قاندی و یعقوبی، ۱۳۸۷).

از میان عوامل اجتماعی برجسته‌ترین تأثیر را خانواده و دوستان بر هویت فرد و چگونگی شکل‌گیری آن دارند. چنانکه اکثر صاحب نظران تأثیر پذیری فرد از خانواده و دوستان را غیر قابل انکار می‌دانند و این دو منبع را مهمترین نماد اجتماعی شکل‌گیری هویت نوجوانان تلقی می‌کنند (پارا^۱، ۲۰۰۸). از نظر اریکسون (۱۹۶۸) پشتیبانی و حمایت، مقدار دلگرمی و پاسخ‌گویی به احساسات آنان است که در هنگام پریشانی و اضطراب از طرف والدین تجربه می‌کنند (گروتوانت^۲، ترویک و مه‌یر، ۱۹۸۲). به ویژه این که حمایت والدین می‌تواند کسب اطلاعات مربوط به هویت را در طول فرزند پروری تسریع کنند (برزنسکی و کاک، ۲۰۰۵). از طرفی دوستان و همسالان از طریق ارتباط آزاد و صادقانه نسبت به قوتها، ضعفها، نیازها و امیال یکدیگر حساس می‌شوند. این فرآیند به رشد خودپنداره، درک دیگران و روابط صمیمی فراتر از خانواده کمک می‌کند. روابط دوستانه حمایت‌کننده موجب می‌شود گرفتاری‌های روزمره کاهش یابد و روحیه بهتر در آنها ایجاد شود (برگ، ۲۰۰۱؛ پارا، ۲۰۰۸).

عزت نفس^۳ عبارت است از نگرش نسبت به خود که در آن مؤلفه‌های شناختی و عاطفی وجود دارد (روزنبرگ^۴، ۱۹۶۵؛ کوپر اسمیت^۵، ۱۹۶۷). عزت نفس ارزیابی خود در پرتو عقاید دیگران است و براساس فرایندهای عاطفی، به ویژه احساس مثبت و منفی درباره خود بنا شده است (سانتراک^۶، ۲۰۰۱). وقتی افراد مطلع می‌شوند که در ایده‌ال‌های خود شکست خورده‌اند، عزت نفس آنها می‌تواند کاهش یابد (بارون، بیرن و برنسکامپ^۷، ۲۰۰۶). راجرز^۸ (۱۹۶۱) معتقد است دلیل اصلی عزت نفس پایین در افراد این است که به آنها فرصت کافی برای حمایت عاطفی و تایید اجتماعی داده نمی‌شود و در طول دوران رشد به صورت مستمر ارزیابی منفی از جانب دیگران دریافت می‌کنند (سانتراک، ۲۰۰۱).

در مجموع، ادبیات پژوهشی در زمینه حمایت اجتماعی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (الف) مطالعاتی که متمرکز بر سیستمهای حمایتی در محیط است؛ (ب) مطالعاتی که به سازه‌های حمایتی تصویری توجه دارند، یعنی بنابر تصور شخصی به چه میزان از حمایت اجتماعی برخوردار است (ساراسون، ساراسون، پوتر و آنتونی، ۱۹۸۵؛ به نقل از بخشی پور رودسری، پیروی و عابدیان،

^۱-Para,E.A.

^۲- Grotevant, H. D., Thorbecke, W., & Meyer, M. L.

^۳-Self- esteem

^۴- Rosenberg, M.

^۵-Coopersmith, S.

^۶- Santrock, J. W.

^۷- Baron, R., Byrne, D., & Branscomb, N.

^۸-Ragers, C.

۱۳۸۶). در این خصوص پژوهش قانیدی و یعقوبی (۱۳۸۷) نشان داد حمایت اجتماعی پیش بینی کننده مناسبی برای رضایتمندی از زندگی و تعادل عاطفی است. درحالی که حمایت اجتماعی خانواده پیش بینی کننده مناسب برای دختران بوده است، در مقابل حمایت اجتماعی پسران بیشتر توسط دوستان پیش بینی شد. ابرو آیکیز و ساوی کاکیر^۱ (۲۰۱۰) در یافته های خود، تفاوت معنی داری از نظر جنسیت در منابع حمایت اجتماعی به غیر از منبع مربوط به خانواده در نوجوانان گزارش کردند، ولی این تفاوت جنسیتی از نظر سطح عزت نفس معنادار نبود. همچنین اسمیتس، سوئنز، ون استین کیست، لوی کاکس و گوسنس (۲۰۱۰) دریافتند سبک هویت اطلاعاتی با حمایت خودگردان والدین رابطه مثبت معنی دار و سبکهای هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی با حمایت خودگردان والدین رابطه منفی معنی دار دارند. از طرفی در پژوهش اسمیتس، سوئنز، لوی کاکس، دوریز و برزونسکی (۲۰۰۸) حمایت والدین پیش بینی کننده مثبت هویت اطلاعاتی گزارش شد، اما سبک هویت هنجاری از طریق دو عامل حمایت ادراک شده و کنترل روانشناختی از سوی والدین پیش‌بینی شد؛ با این وجود، سبک هویت سردرگم/اجتنابی به وسیله نا سازگاری ادراک شده والدین پیش‌بینی شد. پاترسون، پرپور و فیلد^۲ (۱۹۹۵) در بررسیهای خود نتیجه گرفتند کیفیت رابطه با همسالان و دوستان (به عنوان بخشی از منابع حمایت اجتماعی) با شکل گیری هویت، شایستگی اجتماعی و افزایش عزت نفس رابطه داشته است.

اریجیت و کرپل من^۳ (۲۰۰۹) گزارش دادند عزت نفس سبک هویت اطلاعاتی با منشأ درون فردی و بین فردی رابطه مثبت، ولی عزت نفس سبک هنجاری با منشأ بین فردی رابطه مثبت دارد. در این خصوص پژوهش بیسیک و قوش (۲۰۰۸) نشان داد نوجوانانی که به هویت دست یافته بودند، عزت نفس بیشتری داشتند، اما در نوجوانانی که هنوز بحران را به پایان نرسانده بودند، عزت نفس کمتری دیده شد. از طرفی شواهد پژوهشی فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) نشان داد عزت نفس افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی نسبت به سبک اطلاعاتی و هنجاری پایین تر است.

نورمی، برزونسکی، تامی و کینی (۱۹۹۷) در پژوهشی بر روی نمونه‌های آمریکائی و فنلاندی گزارش کردند که افراد با جهت گیری اطلاعاتی نسبت به افراد با سبک هنجاری از عزت نفس بیشتری برخوردار بودند. نتایج پژوهش (تایلور و ازکی^۴، ۱۹۹۵؛ به نقل از اریجیت و کرپل، ۲۰۰۹) نشان داد عزت نفس با کسب هویت در هر دو نمونه آمریکایی و ترکیه‌ای رابطه مثبت داشته است. همچنین، عزت نفس با سبک اطلاعاتی رابطه مثبت قوی و با منبع محدود کننده رابطه منفی داشته است. علاوه بر این سبک هنجاری رابطه قوی با عزت نفس در نمونه آمریکایی نشان داد، در حالی که در نمونه

^۱- Ebru Ikiz, F., & Savi Cakar, F.

^۲- Paterson, J. E., Prio, G., & Field, G.

^۳- Eryigit, S., & Kerpelman, J.

^۴- Taylor, R. D., & Oskay, G.

ترکیه‌ای این رابطه دیده نشد. در این خصوص لوی کاکس و همکاران (۲۰۰۷) در گزارش پژوهش خود تنها به رابطه مثبت سبک هنجاری با عزت نفس اشاره کردند.

هرچند به نظر می‌رسد بین عزت نفس و سبک‌های هویت رابطه وجود داشته باشد، ولی در ایران پژوهش‌های کمی بین سازه‌های هویتی و عزت نفس صورت گرفته است و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه حمایت اجتماعی در سایر کشورها نیز به بررسی رابطه بین سبک‌های تربیتی خانواده و هویت یابی نوجوانان پرداخته‌اند؛ و به ویژه اینکه بر اساس دانش ما تا کنون پژوهش مستقیمی در مورد رابطه حمایت اجتماعی و ابعاد سبک‌های هویتی صورت نگرفته است. از طرفی با توجه به این که پدیده‌های فرهنگی نیز می‌توانند در تفاوت‌های رابطه بین سبک‌های هویت و عزت نفس مطرح باشند، بنابر این، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبک‌های هویت در یک نمونه ایرانی است و براساس شواهد و یافته‌ها، بین سبک‌های هویت و عزت نفس رابطه وجود دارد؛ بین سبک هویت و حمایت اجتماعی رابطه وجود دارد؛ سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی هریک از متغیرهای حمایت اجتماعی و عزت نفس را پیش بینی می‌کنند.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. نمونه مورد بررسی عبارت است از ۲۲۴ دانشجوی (۱۱۹ دختر و ۱۰۵ پسر) کارشناسی رشته‌های فنی-مهندسی و علوم انسانی (با میانگین سنی ۲۱/۴ سال و انحراف استاندارد ۱/۸۶) از شهرستان محمودآباد بودند که در سال تحصیلی (۸۹-۸۸) با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها در کلاسهای انتخاب شده به صورت گروهی اجرا شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: مقیاس عزت نفس روزنبرگ که نسبت به همه مقیاس‌های عزت نفس از آن بیشتر استفاده شده است (کلاین^۱، ۲۰۰۰). این مقیاس ۱۰ سؤال دارد که خواننده باید به هر یک از سؤالا براساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای پاسخ بدهد. وایلی^۲، ۱۹۸۹، به نقل از احدی (۱۳۸۸) در مرور خود بر تحقیقات انجام شده با این مقیاس دریافت که در هفت پژوهش مختلف، مقدار آلفای کرونباخ از ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ به دست آمده است. همچنین (سیلبر و تپیت^۳، ۱۹۶۵؛ به نقل از احدی، ۱۳۸۸) ضریب باز آزمایی بعد از دو هفته را ۰/۸۵ به دست آوردند. احدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود بر اساس فرمول آلفای کرونباخ ضریب ۰/۸۵ را بدست آورد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه شد و ضریب ۰/۸۱ به دست آمد.

^۱-Klin, P.

^۲-Wylie

^۳-Silber, E., & Tippett, J.S.

پرسشنامه حمایت اجتماعی توسط وکس، فیلیپس، تامپسون، ویلیامز و استوارت^۱ (۱۹۸۶) تهیه شده است. ساختار نظری این پرسشنامه بر اساس تعریف کوب^۲ (۱۹۹۷) از حمایت اجتماعی استوار است که حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است. این مقیاس ۲۳ سؤال دارد که سه حیطه خانواده، دوستان و سایرین را در برمی گیرد. خرده مقیاس خانواده و دوستان هر کدام ۸ سؤال و خرده مقیاس سایرین ۷ سؤال دارد. این آزمون بر اساس یک مقیاس چهار درجه‌ای بسیار موافق، موافق، مخالف و بسیار مخالف ساخته شده است (همیراد و سپاه منصور، ۱۳۸۶). ابراهیمی قوام سیستم نمره‌گذاری این پرسشنامه را به صفر و یک تغییر داده و دلیل آن را استفاده از آلفای کرونباخ ذکر کرده است. وی این آزمون را برای یکصد نفر از دانشجویان و یک گروه ۲۰۰ نفری از دانش آموزان به کار برده و پایایی آزمون را در نمونه دانشجویی ۰/۹۰ گزارش کرده است (همیراد و سپاه منصور، ۱۳۸۶). در این پژوهش از فرم نمره‌گذاری صفر و یک استفاده شده است و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه سبک هویت (ISI)^۳ توسط برزونسکی (۱۹۹۷) برای ارزیابی سبک هویت تدوین شده است و قابلیت اجرای گروهی دارد. این ابزار یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال آن سبک اطلاعاتی، ۹ سؤال سبک هنجاری و ۱۰ سؤال سبک سردرگم/اجتنابی و ۱۰ سؤال تعهد را (در این تحقیق مورد استفاده قرار نمی‌گیرد) ارزیابی می‌کند. سئوالات روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از "کاملاً مانند من" (۱) تا "کاملاً مخالف من" (۵) ارزیابی می‌شوند. تعداد چهار عدد از سئوالات این مقیاس نمره‌گذاری معکوس می‌شوند.

برزونسکی (۱۹۹۷) ضریب آلفای کرونباخ این ابزار را که بر روی ۶۱۷ نفر اجرا شده بود، برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۰، برای سبک هنجاری ۰/۶۴ و برای سبک مغشوش/اجتنابی ۰/۷۶ گزارش کرده است. مقاللو و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی سه خرده مقیاس اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۶۸ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی خرده مقیاسهای اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۴ و ۰/۶۴ به دست آمد.

^۱- Vaux, A., Phillips, J., Holly, L., Thomson, B., Williams, D., & Stewart, D.

^۲- Cobb, S.

^۳- Identity Style Inventory

یافته‌ها

ویژگیهای توصیفی متغیرهای سبکهای هویت، حمایت اجتماعی و عزت نفس در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای حمایت اجتماعی، عزت نفس و سبکهای هویت در آزمودنیها

| متغیرها | میانگین | انحراف استاندارد |
|-------------------------|---------|------------------|
| سبک هویت اطلاعاتی | ۳۰/۰۸ | ۶/۴۸ |
| سبک هویت هنجاری | ۲۹/۰۱ | ۵/۱۴ |
| سبک هویت سردرگم/اجتنابی | ۱۹/۸۹ | ۴/۹۳ |
| حمایت اجتماعی | ۱۷/۲۹ | ۲/۰۴ |
| عزت نفس | ۱۹/۵۶ | ۳/۵۲ |

همان طورکه نتایج جدول (۱) نشان می دهد، سبک هویت اطلاعاتی بالاترین میانگین (۳۰/۰۸) و سبک هویت سردرگم/اجتنابی پایین ترین میانگین (۱۹/۸۹) را دارند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |
|-------------------------|---------|---------|---------|---------|---|
| سبک هویت اطلاعاتی | - | | | | |
| سبک هویت هنجاری | ۰/۴۹*** | - | | | |
| سبک هویت سردرگم/اجتنابی | ۰/۰۲ | ۰/۰۱ | - | | |
| حمایت اجتماعی | ۰/۴۳*** | ۰/۳۸*** | -۰/۰۹ | - | |
| عزت نفس | ۰/۵۳*** | ۰/۴۴*** | -۰/۲۱** | -۰/۵۲** | - |

P < ۰/۰۱ . *P < ۰/۰۰۱ .

همان طورکه نتایج جدول (۲) نشان می دهد، بین سبکهای هویت اطلاعاتی و هنجاری با عزت نفس رابطه مثبت وجود دارد، ولی بین سبک سردرگم/اجتنابی و عزت نفس رابطه منفی وجود دارد. این یافته‌ها فرضیه اول را تأیید می کنند.

علاوه بر این همانطور که در جدول (۲) مشاهده می شود از بین سه سبک هویتی دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با حمایت اجتماعی رابطه مثبت معنی دار دارند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می شود.

جدول ۳، خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون حمایت اجتماعی بر سبک های هویت

| مدل | شاخص | SS | df | F | MS | P | R | R ^۲ | SE |
|-------------------------|------|---------|-------|----------|--------|-------|-------|----------------|-------|
| رگرسیون | | ۲۲۲/۰۸۴ | ۳ | ۷۴/۰۲۸ | ۲۲/۹۳۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۸۸ | ۰/۲۳۸ | ۱/۷۹۶ |
| باقی مانده | | ۷۱۰/۰۵۴ | ۲۲۰ | ۳/۲۲۸ | | | | | |
| متغیر | شاخص | B | SEB | β | t | | | | |
| سبک هویت اطلاعاتی | | ۰/۳۱۴ | ۰/۰۲۱ | ۰/۰۹۹*** | ۴/۶۲۷ | | | | |
| سبک هویت هنجاری | | ۰/۲۳۸ | ۰/۲۷۰ | ۰/۰۹۵** | ۳/۴۹۵ | | | | |
| سبک هویت سردرگم/اجتنابی | | -۰/۱۱۵ | ۰/۲۵۰ | -۰/۰۴۸ | -۱/۹۴۱ | | | | |

** P < ۰/۰۱ . *** P < ۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول (۳) F مشاهده شده معنادار است $P < ۰/۰۰۰$ و $P < ۰/۰۰۰$ و $P < ۰/۰۰۰$ واریانس مربوط به حمایت اجتماعی به وسیله سبک های هویت تبیین می شود ($R^2 = ۰/۴۹$). ضرایب رگرسیون نشان می دهند که سبک های هویت اطلاعاتی ($\beta = ۰/۰۹۹$, $t = ۴/۶۲۷$) و هنجاری ($\beta = ۰/۰۹۵$, $t = ۳/۴۹۵$) می توانند واریانس های حمایت اجتماعی را به صورت معنی داری تبیین کنند، ولی سبک سردرگم ($\beta = -۰/۰۴۸$, $t = -۱/۹۴۱$) پیش بینی کننده معنی داری برای حمایت اجتماعی نبوده است.

جدول ۴، خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون عزت نفس بر سبک های هویت

| مدل | شاخص | SS | df | F | MS | P | R | R ^۲ | SE |
|-------------------------|------|----------|----------|----------|--------|-------|------|----------------|----|
| رگرسیون | | ۱۰۳۶/۱۴۷ | ۳ | ۴۳/۹۹۸ | ۱۴/۶۶۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۷ | ۰/۸۰۱ | |
| باقی مانده | | ۲۷۶۳/۱۲۵ | ۲۲۰ | | | | | | |
| متغیر | شاخص | B | SEB | β | t | | | | |
| سبک هویت اطلاعاتی | | ۰/۲۱۳ | ۰/۰۳ | ۰/۳۹۳*** | ۶/۳۹۱ | | | | |
| سبک هویت هنجاری | | ۰/۱۸۵ | ۰/۲۷۱*** | ۰/۴۲ | ۴/۲۹ | | | | |
| سبک هویت سردرگم/اجتنابی | | -۰/۱۶۱ | ۰/۳۲۵*** | -۰/۲۲۵ | -۴/۱۸۵ | | | | |

** P < ۰/۰۱ . *** P < ۰/۰۰۱

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، F معنادار است $P < ۰/۰۰۰$ و ۳۷% واریانس مربوط به عزت نفس به وسیله سبک‌های هویت تبیین می‌شود ($R^2 = ۰/۳۷$). ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که سبک‌های هویت اطلاعاتی ($t = ۶/۳۹۱, \beta = ۰/۳۹۳$)، هنجاری ($t = ۴/۲۹, \beta = ۰/۲۷۱$) و سبک سردرگم ($t = -۴/۱۸۵, \beta = -۰/۲۲۵$) می‌توانند واریانس‌های عزت نفس را به صورت معنی‌داری تبیین کنند؛ یعنی افراد با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری عزت نفس بیشتری و افراد با سبک سردرگم/اجتنابی عزت نفس کمتری نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با حمایت اجتماعی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد، اما بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی با حمایت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله ابرو آیکیز و ساوی کاکیر، ۲۰۱۰؛ اسمیتس و همکاران، ۲۰۱۰؛ اسمیتس و همکاران، ۲۰۰۸؛ پاترسون و همکاران، ۱۹۹۵ همخوانی دارند. جهت تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که حمایت والدین بهترین پیش‌بینی‌کننده رشد و ارتباط مثبت با همسالان است (پارا، ۲۰۰۸؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۰). از نظر اریکسون پشتیبانی و حمایت، به میزان دلگرمی و پاسخ‌گویی به احساسات آنان در هنگام پریشانی و اضطراب بستگی دارد. پشتیبانی عموماً به عنوان یک اصل در توسعه تطبیقی و به طور خاص در توسعه هویتی به‌شمار می‌آید (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۲). در حالی که سبک هویت اطلاعاتی با حمایت خودگردان والدین رابطه مثبت معنی‌دار دارد، سبک هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی با حمایت خودگردان والدین رابطه منفی معنی‌دار دارند. پژوهشگران خودگردانی سبک اطلاعاتی را به انعطاف‌پذیری سبک اطلاعاتی در فرایند جستجوی هویت مربوط می‌دانند، در حالی که سبک هنجاری به دلیل پیروی جزمی مطابق استاندارد والدین فاقد حمایت خودگردان است (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۰). از طرفی حمایت والدین پیش‌بینی‌کننده مثبت هویت اطلاعاتی و هنجاری است، در مقابل والدین ادراک شده ناسازگار یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای هویت سردرگم/اجتنابی است (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین کیفیت رابطه با همسالان به عنوان بخشی از منابع حمایت اجتماعی با شکل‌گیری هویت، شایستگی اجتماعی و افزایش عزت نفس رابطه دارد (پاترسون و همکاران، ۱۹۹۵؛ دویوس و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از پارا، ۲۰۰۸).

توانایی شناختی افراد برای درک دیدگاه دیگران سبب می‌شود تا فرد اندیشه دیگران را در مورد "خود" مورد جستجو قرار دهد. از سوی دیگر نظریه پردازان کنترل هویت از جمله کرپلمن، پیتمن و

لامکه^۱ (۱۹۹۷) معتقدند که طی یک فرآیند هویت یابی، روابط بین فردی و بازخورد دریافتی از سوی دیگران (برای مثال بعد اطلاعاتی حمایت اجتماعی) به طور مداوم با معیارهای هویت در فرد مقایسه شده و هر ناهماهنگی بین این دو، سبب بروز اختلال گردیده و فرد را وادار به تلاش در رفع ناهماهنگی و بازگرداندن هویت می کند. این تلاش به دو شکل صورت می گیرد، (الف) اصلاح معیارها به صورت شناختی متناسب با بازخورد های دریافتی؛ (ب) تلاش در جهت تغییر در رفتار بین فردی. بنابراین، سبک هویت اطلاعاتی به وسیله تجربه های ناهمگون، تمایل بیشتری برای رویارویی با چالش های هویتی (گشودگی به تجربه) و ارزیابی اطلاعات مرتبط با خود مشخص می شود، که حل بخشی از چالشها می تواند از طریق "اخذ دیدگاه دیگران" صورت پذیرد (به نقل از فیض آبادی و همکاران، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر پژوهشگران معتقدند سبک هنجاری جهت ساخت یک هویت منسجم، تایید دیگران دارای اهمیت ویژه ای است، افراد با تجربه و انتظارات افراد مهم زندگی خود هم نمایی می کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). بنابراین رفتار بر اساس انتظارات دیگران می تواند توجه مثبت را در پی داشته و سبب اخذ حمایت اجتماعی از سوی آنان شود.

بر اساس یافته این پژوهش هرچند رابطه سبک هویت سردرگم/اجتنابی با منابع حمایت اجتماعی معنی دار نبوده است، اما گرایش به رابطه منفی با منابع حمایت اجتماعی دیده شد. در این خصوص پژوهشهای (برزونسکی، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰) نشان داد سبک هویت سردرگم/اجتنابی با کیفیت روابط با همسالان رابطه منفی و با فاصله گیری عاطفی رابطه مثبت دارد. علاوه بر این، شواهد پژوهشی نشان می دهد آنها منابع لذت آنی و زود گذر را جستجو می کنند و از نظر پایداری و تعهد از ثبات کمتری برخوردارند و از درگیری با منابع هویتی اجتناب می کنند. بنابراین، ویژگیهای مذکور می تواند سبب از دست دادن منابع حمایتی شوند.

افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی از بهزیستی روان شناختی پایین تری نسبت به سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی برخوردارند (فلیس و پیتمن، ۲۰۰۷)، و با توجه به ادبیات پژوهشی موجود، حمایت اجتماعی یک منبع مهم برای کاهش استرس، بهزیستی روان شناختی و همچنین پیش بینی کننده مناسبی برای تعادل عاطفی است (فانددی و یعقوبی، ۱۳۸۷). افراد با سبک هویت سردرگم ممکن است به دلیل فقدان حمایت اجتماعی مطلوب، پریشانی و استرس بالا نتوانند به هویت منسجم و باثباتی دست یابند. بالا بودن سطح استرس و پایین بودن سطح بهزیستی می تواند تبیینی برای فقدان حمایت اجتماعی مناسب و مورد نیاز باشد.

^۱- Kerpelman, J. K., Pittman, J. F., & Lamke, L.K.

ادبیات پژوهشی در مورد نقش خانواده به عنوان یکی از منابع حمایت اجتماعی در سبک‌های هویتی بیانگر الگوی متفاوت شیوه‌های تربیتی در سبک‌های مختلف هویتی است. گروتوانت و کوپر (۱۹۸۲) معتقدند فرزندان که از حمایت اجتماعی لازم برخوردار نیستند، از طرف والدین طرد می‌شوند و به لحاظ عاطفی با آنها فاصله دارند، و در نتیجه دچار پراکندگی هویت می‌شوند. برزونسکی (۲۰۰۴) نیز گزارش کرد سبک تربیتی قاطع و اطمینان بخش با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مثبت دارد، در حالی که سبک فرزندپروری سهل گیر با سبک هویت سردرگم/اجتنابی و سبک فرزندپروری مستبدانه با سبک هویت هنجاری رابطه دارد. ادراک افراد با سبک سردرگم/اجتنابی به دلیل فقدان احساسات روشن، دریافت بازخورد مبهم و متناقض و همچنین فقدان تبادل نظر در خانواده، از خانواده مبهم است و بر این اساس تفاوت در بازخورد اطلاعاتی، تبادل نظر و حمایت های عاطفی به عنوان منابع حمایت اجتماعی ممکن است تا حدودی تبیین کننده سبک‌های مختلف هویت یابی باشند.

همچنین یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک اطلاعاتی و هنجاری با عزت نفس رابطه مثبت معنی دار وجود دارد، اما دیده شد، در مقابل رابطه بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و عزت نفس منفی بود. این یافته با پژوهش‌های قبلی از جمله لوی کاکس و همکاران، ۲۰۰۷؛ فیلیپس و پیتمن، ۲۰۰۷؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ اریجیت و کرپل من، ۲۰۰۹؛ بیسیک و قوش، ۲۰۰۸ مطابقت دارد. نوجوانانی که هویت کسب کرده اند در مقایسه با نوجوانانی که هویت کسب نکرده اند، از عزت نفس بیشتری برخوردارند (بیسیک و قوش، ۲۰۰۸؛ فیلیپس و پیتمن، ۲۰۰۷). این یافته می‌تواند تبیینی برای تفاوت عزت نفس بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با سبک هویت سردرگم/اجتنابی باشد. همچنین، در پژوهش تایلر و ازکی، ۱۹۹۷؛ به نقل از اریجیت و کرپل من، ۲۰۰۹ عزت نفس رابطه مثبت با کسب هویت (رابطه مثبت قوی با سبک هویت اطلاعاتی) و رابطه منفی با منبع محدود کننده (سبک هویت هنجاری) داشت. اما در یافته‌های پژوهش لوی کاکس و همکاران (۲۰۰۷) تنها بین عزت نفس با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت دیده شد.

تبیینی که برای این یافته ها می‌توان ارائه داد اشاره به پیچیدگی ارتباط بین عزت نفس و سبک‌های هویتی است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری برداشت مثبت و روشنی از خود دارند، درحالی‌که برداشت افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی منفی است (اریجیت و کرپل من، ۲۰۰۹). بنابر این، برداشت مثبت از خود در سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری این امکان را فراهم می‌کند که آنها از سبک هویت سردرگم/اجتنابی متفاوت باشند. با این حال تبیین عزت نفس افراد اطلاعاتی با هنجاری متفاوت است. این ویژگی ممکن است تا حدی به ماهیت عزت نفس و برداشت از مفهوم عزت نفس مربوط باشد. برای مثال (اهمیت ویژگی‌های شخصی و اعتماد به آنها) ممکن است رابطه کوپری با سبک اطلاعاتی نسبت به سبک هنجاری داشته باشد. منبع هویت اشخاص با جهت-

گیری هنجاری تأکید بر ویژگیهای بین فردی است؛ مثلاً نقشهای اجتماعی و هنجارها، و تأثیر آن از ویژگیهای فردی بیشتر است، ولی جهت گیری درون فردی نیز بر عزت نفس تأثیر دارد. از سوی دیگر افراد با سبک اطلاعاتی ممکن است ارزیابی دوگانه ویژگی شخصی و بین فردی تعیین کننده عزت نفس آنها باشد، زیرا آنها به دنبال ارزیابی دانش بین فردی و شخصی در مورد خودشان هستند. بنابراین، با فرض اینکه سبک اطلاعاتی ارتباط مثبت با عزت نفس دارد، این ارتباط هم به ویژگیهای شخصی و هم بین فردی متکی است، درحالیکه عزت نفس سبک هنجاری به طور مشخص به روابط بین فردی بستگی دارد (اریجیت و کرپل من، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک سردرگم/اجتنابی با عزت نفس رابطه منفی معنی دار دارد. یافته‌های پژوهش را می‌توان این گونه تبیین کرد، که افراد با سبک سردرگم/اجتنابی به دلیل فقدان هدف های روشن و مدیریت مؤثر در زندگی، دست آورد با ثباتی ندارند که به آن افتخار کنند و در نتیجه خودپنداره مغشوشی را پرورش می‌دهند که فاقد ارزشمندی است. بنابر این، عوامل مذکور موجب می‌شوند تا شکست مکرر را تجربه کنند و در نتیجه زمینه کاهش عزت نفس افراد با جهت گیری سبک هویت سردرگم/اجتنابی را فراهم می‌کنند.

به طور کلی بر پایه دانش مربوط به رابطه حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبکهای هویت، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در زمینه کمک به فرایند هویت یابی نوجوانان سودمند باشد و از طریق شناسایی و فعال ساختن منابع حمایت اجتماعی، فرآیند هویت یابی نوجوانان را تسهیل کند. این فرآیند می‌تواند از طریق آموزش والدین، شکل دهی و گسترش شبکه ارتباطی و پیوند آن با منابع حمایتی محقق شود. کمک به شکل گیری یک هویت منسجم و موفق همچنین می‌تواند زمینه رشد عزت نفس را فراهم کند. از آنجا که حمایت اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است و ممکن است برای افراد متفاوت نوع خاصی از آن دارای اهمیت بیشتری باشد، پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی این جنبه‌های مختلف حمایت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه هویت یابی مقوله‌ای تحت تأثیر فرهنگ است. پژوهشهای بیشتر با نمونه‌های متنوع تر در جامعه ایرانی و مقایسه‌های بین فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

احدی، بتول. (۱۳۸۸). رابطه احساس تنهایی و عزت نفس با سبکهای دلبستگی دانشجویان، *فصلنامه مطالعات روان شناختی*، ۵، ۹۵-۱۱۲.

بارون، رابرت، بیرن، دان، برنسکامب، ناپلا. (۲۰۰۶). روان شناسی اجتماعی. ترجمه یوسف کریمی. (۱۳۸۷).

تهران: انتشارات روان.

www.SID.ir

- بخشی پور رودسری، عباس، پیروی، حمید، عابدیان، احمد. (۱۳۸۶). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی، حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۲۸ و ۲۷، ۱۴۵-۱۵۲.
- برگ، لورا. ای. (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات ارسباران.
- خواجه پور، مهناز و عطار، حمید. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با سبکهای هویت و بررسی رابطه آنها در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی، *دو فصلنامه مطالعات تربیتی روان‌شناسی*، ۱۵، ۲۷-۱.
- سارافینو، ادوارد. پ. (۲۰۰۲). روانشناسی سلامت. ترجمه سید علی احمدی ابهری و همکاران. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات رشد.
- سانتراک، جان دبلیو. (۲۰۰۱). روانشناسی تربیتی. ترجمه مرتضی امیدیان. (۱۳۸۵). یزد: انتشارات دانشگاه.
- فیض‌آبادی، زهرا، فرزاد، ولی‌اله، شهر آرای مهرانز. (۱۳۸۶). بررسی رابطه همدلی با سبکهای هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۲، ۳، ۹۰-۶۵.
- قائدی، غلامحسین، یعقوبی، حمید. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد بهزیستی در دانشجویان دختر و پسر. *مجله ارمغان دانش*، ۵۰، ۸۱-۶۹.
- کاپلان، پاول. اس. (۲۰۰۰). روان‌شناسی رشد. ترجمه مهرداد فیروز بخت. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رسا.
- مغانلو، مهناز، وفايي، مریم، شهر آرای، مهرانز. (۱۳۸۷). رابطه عوامل پنج‌عاملی شخصیت و سبکهای هویت، *مجله پژوهشهای روان‌شناختی*، ۱۱، ۹۴-۷۹.
- همتی راد، گیتی و سپاه منصور، مژگان. (۱۳۸۷). رابطه استرس و حمایت اجتماعی در دانشجویان تهران. *مجله اندیشه و رفتار*، ۷، ۸۶-۷۹.

- Adams, G. R., Ryan, B. A., & Keating, L. (2000). Family relationships, academic environments, and psychosocial development during the university experience: A longitudinal investigation, *Journal of Adolescent Research*, 15, 99-122.
- Basak, R., & Ghosh, A. (2008). Ego-Identity Status and Its Relationship with Self-Esteem in A Group of Late Adolescents, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*. 34, (2), 337-344.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university, *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Berzonsky, M, D. (2004). Identity style, Parental Authority and Identity Commitment, *Journal of youth and Adolescence*, 33, 213- 220.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies, *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D., Kuk, S. L. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance, *Journal of Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years, *Developmental Review*, 19, 557-590.

- Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective, *Journal of Adolescent Research*, 12, 347-353.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter?, *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Brown, J. D. (1993). *Self-esteem and self-evaluations, feeling is believing*. In J. Ebru, I. F., & Savi, C. F. (2010). Perceived social support and self-esteem in adolescence *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2338-2342.
- Coopersmith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*, San Francisco, Freeman.
- Eryigit, S., & Kerpelman, J. (2009). Using the Identity Processing Style Q-Sort to examine identity styles of Turkish young adults, *Journal of Adolescence*, 32, 1137-1158.
- Grotevant, H. D., Thorbecke, W., & Meyer, M. L. (1982). An extension of Marcia's identity status interview into the interpersonal domain, *Journal of youth and adolescence*, 11, 33 - 48.
- Heaven, P. C. L. (1995). *Contemporary Adolescence, a Social Psychological approach*, South Melbourne: Macmillan educational, 27-40.
- Kline, P. (2000). *Handbook of psychological testing*, London, Routledge.
- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsky, M., Smits, I., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination, *Personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- Para, E. A. (2008). The Role of Social Support in Identity Formation: A Literature Review, *Graduate Journal of Counseling Psychology*, 1, 97-105.
- Paterson, J. E., Prior, G., & Field, G. (1995). Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspect of self-esteem, *Journal of Youth and Adolescence*, 24, 365-376.
- Phillips, T. M., & Pittman, J. F. (2007). Adolescent psychological well-being by identity style, *Journal of Adolescence*, 30, 1021-1034.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and adolescent self-image*, New Jersey, Princeton University press.
- Schwartz, S. J. (2001). The evolution of Eriksonian and neo-Eriksonian identity theory and research: *A review and integration*, *Identity*, 1, 7-58.
- Smits, I., Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B., Berzonsky, M., Vleioras, G., & Bosma, A. H. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: exploring the socialization of adolescents' processing of identity-relevant information, *Journal of Adolescence*, 31, 151-164.
- Smits, I., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Luyckx, K., & Goossens, L. (2010). Why do Adolescents Gather Information or Stick to Parental Norms? Examining Autonomous and Controlled Motives Behind Adolescents' Identity Style, *Journal of Youth Adolescence* 39, 1343-1356.